

بررسی ساختارهای مالی و حسابداری عملیات بانکی بدون ربا

در تطبیق با قانون، آئین نامه ها، دستورالعمل های اجرایی

و استانداردهای حسابداری

دکتر سید ابوالفضل دلقندی

عضو هیات علمی مؤسسه عالی بانکداری ایران

پیشگفتار

اهمیت بانک و بانکداری در اداره امور جوامع بشری و تاثیر متقابل آن بر سیاست های کلان اقتصادی از جمله مباحثی است که بخش وسیعی از نظریات اقتصادی و مباحث مالی و حسابداری را بخود اختصاص داده است. در دهه ۱۹۸۰، با تغییرات عمده سیاست کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اصلاحات سیاست کلان به بخش مالی نیز کشیده شده که عمدتاً آزاد سازی نرخ بهره، کاهش اعتبارات هدایت شده و با حمایت مالی دولت، حذف سقف های اعتباری بانکها، باز شدن بازار برای ورود بانکها، کاهش اولویت ها برای بانکهای دولتی، خصوصی سازی بانکهای دولتی و تغییرات قانونی دیگر را شامل می گردید.

در دهه ۱۹۹۰، اصطلاحات سیاستی در بخش مالی تنها از طریق تلاش های جدید هماهنگ شده جهت چارچوب نهادی که بانکها در آن فعالیت می کنند آغاز گردید. نتایج مطالعات اخیر حاکی از این است که کشورهای با نهادهای قوی، در آزاد سازی بازارهای مالی خود موفق ترین هستند.

گرچه بانکداری بر اساس نظارت بانکداری غربی (سنتی) در طول زمان راه تکامل را پیموده است، لکن در اصول آن که جذب و تخصیص منابع است تغییرات چندانی حاصل نشده است و اساس آن بر نرخ بهره، به عنوان مهمترین اهرم تنظیم کننده بازارهای پولی و مالی استوار می باشد.

ساختارهای مالی و حسابداری بانکها نیز در همین چارچوب شکل گرفته و ارائه استانداردهای حسابداری از طریق موسسات تخصصی تا حدودی توانسته است حالت یکپارچگی را در این مجموعه ایجاد نماید. البته ذکر این نکته لازم است که به علت تفاوت در ساختارها و قوانین حاکم بر نظام بانکی کشورها، رسیدن به استانداردهای تقریباً فراگیر با تلاش سازمانهای تخصصی همراه بوده است.

تغییر شگرف در نظام بانکداری و حذف بهره به عنوان اصلی‌ترین اهرم عملیات بانکی و جایگزینی سود و تغییر ماهوی عملیات بانکی از حالت واسطه وجوه به نوعی فعالیتهای مشارکتی، چیزی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از عمده‌ترین اهداف دولت را در استقرار نظام عملیات بانکی بدون ربا تشکیل می‌داد.

ابتدا مقدمات امر در تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور به دولت واگذار شد ولی عملاً حصول به هدف تعیین شده با این تبصره امکان پذیر نگردید.

با انجام مطالعات بیشتر سرانجام دولت لایحه مربوط به عملیات بانکی بدون ربا را در سال ۱۳۶۲ تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود که با تصویب لایحه مذکور، «قانون عملیات بانکی بدون ربا» از ابتدای سال ۱۳۶۳ در بانکها بمورد اجرا گذاشته شد.

در طی چند سال اجرای قانون جدید، آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها نوشته شد و بر حسب مورد تغییرات و اصلاحاتی در آنها صورت پذیرفت که عمده‌تاً امور اجرائی عقود را در بر می‌گرفت، لکن در مورد روش‌های حسابداری عملیات بانکی جدید که در بدو امر به همت متخصصین و کارشناسان مالی بانکها تهیه گردیده، تاکنون تغییرات چندانی صورت نپذیرفته است.

در این تحقیق، تلاش گردیده است که با مطالعه مجموعه تحقیقات انجام شده در این زمینه و توجه به چارچوب نظری عملیات بانکی بدون ربا و مقایسه آن با روش‌های اجرائی موجود، مسائل مبتلا به نظام‌های مالی و حسابداری بانک را تا حدود امکان شناسائی و در قالب چند فرضیه ارائه شود.

در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی نظام حسابداری موجود بانکها، روش‌های حسابداری شرکت‌های طرف قرارداد با بانک در رابطه با عقود مختلف بررسی گردیده تا در ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی تمام جوانب امر در نظر گرفته شده باشد.

این تحقیق در ۶ بخش بشرح زیر تنظیم گردیده است:

بخش اول به کلیات طرح تحقیق و بیان فرضیات اختصاص یافته است.

بخش دوم به بررسی سیستم حسابداری در رابطه با منابع بانک اختصاص یافته است.

بخش سوم، ضمن بررسی و طبقه‌بندی تسهیلات اعطائی، نظام حسابداری هر یک از عقود

را مورد بررسی قرار داده است.

بخش چهارم به ضرورت و اهمیت تهیه شاخص‌های مالی جهت برآورد کارآئی بانک اختصاص یافته.

در بخش پنجم، به روش‌های حسابداری طرفهای قرارداد با بانک توجه شده و پیشنهادات اصلاحی مربوطه ارائه شده است. و در بخش ششم، ضمن نتیجه‌گیری، پیشنهادات اصلاحی نیز عنوان گردیده است.

بخش اول - کلیات طرح تحقیق

در این بخش، پس از طرح سوالات مختلف در رابطه با کارآئی نظام بانکی از دیدگاه موضوع تحقیق، فرضیاتی تهیه شده که در بخش‌های بعدی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته و در بخش پایانی نتایج حاصل از آزمون فرضیات مشخص شده است:

الف - سوالات:

سوال اصلی: آیا روشهای اجرایی عقود اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا را تامین می‌کند؟

سوالات فرعی:

(۱) آیا سود احتسابی در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار واقعی می‌باشد؟

و آیا بنحو صحیح در دفاتر بانکها عمل می‌شود؟

(۲) آیا سود احتسابی در مورد تسهیلات اعطائی واقعی می‌باشد؟

و آیا روش ثبت حسابداری تسهیلات اعطائی با استانداردهای حسابداری منطبق است؟

(۳) آیا روشهای حسابداری در دفاتر طرفهای قرارداد با بانکها (دریافت کنندگان تسهیلات)

با شیوه حسابداری عملیات بانکی بدون ربا مطابقت دارد؟

(۴) آیا شیوه گزارشگری بانکها امکان تحلیل‌های مالی و اقتصادی را میسر می‌سازد؟

و آیا بانکها در سطح قوی از کارآئی فعالیت می‌کنند؟

نتیجه‌گیری و پاسخ به سوال اصلی

ب - فرضیات تحقیق:

فرضیه اصلی:

«روش‌های اجرایی اکثر عقود، اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا را تامین نمی‌کند.»

فرضیات فرعی:

(۱) در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار: سود مورد احتساب واقعی نبوده و بنحو صحیح

در دفاتر بانکها عمل نمی‌شود.

(۲) در تسهیلات اعطائی با نرخ سود ثابت (که اکثر عقود را تشکیل می‌دهد)، سود مورد احتساب واقعی نبوده، عملیات اجرائی و نظارتی بانک در مورد این عقود ضعیف و برخی ثبت‌های حسابداری با ماهیت اجرائی آن همخوانی ندارد.

(۳) در تسهیلات اعطائی با نرخ‌های سود از قبل تعیین نشده (مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم) سود مورد احتساب واقعی بوده، عملیات اجرائی و نظارتی بانک در مورد این عقود قوی‌تر و ثبت‌های حسابداری آن با ماهیت اجرائی عملیات همخوانی دارد. لکن سود واقعی هر سال را بدرستی مشخص نمی‌کند و سود و زیان سالیانه بانک را ناممکن می‌سازد.

(۴) اعطای تسهیلات تکلیفی و دولتی، روش‌های محاسباتی سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطائی و نقصان عوامل رقابتی، موجب کاهش کارائی تجهیز منابع و عدم تخصیص بهینه آن گردیده است.

(۵) ثبت عملیات حسابداری در دفاتر دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی با نحوه ثبت دفاتر بانک هماهنگی ندارد و بصورت ربوی انجام می‌پذیرد.

بخش دوم: بررسی سیستم حسابداری در رابطه با منابع بانک و ارائه الگوی پیشنهادی:

منابع بانکها به دو دسته بشرح زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- منابع مالکانه بانکها (شامل منابع سرمایه‌ای و استقراضی)
- ۲- منابع سپرده‌گذاریهای مدت‌دار (کوتاه مدت و بلند مدت) که ذیلاً به توضیح هر یک پرداخته می‌شود:

۱- منابع مالکانه بانکها

منابع مالکانه بانکها خود از دو قسمت تشکیل می‌گردد:

- الف - سرمایه، اندوخته، سود انباشته = حقوق صاحبان سهام
 - ب - منابع استقراضی شامل قرض‌الحسنه دریافتی از سپرده‌گذاران (جاری و پس‌انداز) و سایر منابع استقراضی
- الف - در رابطه با قسمت الف، یعنی سرمایه، اندوخته و سود انباشته بانک، روش حسابداری در نظام جدید بانکی با نظام سنتی تفاوتی ندارد و از اینرو بحث این قسمت منابع موردی نخواهد داشت.
- ب - در رابطه با قرض‌الحسنه دریافتی از سپرده‌گذاران، ماده ۳ قانون، بانکها را مجاز دانسته که سپرده قرض‌الحسنه بصورت جاری و پس‌انداز دریافت نمایند.

در ماده ۴ ق، بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه گردیده‌اند و در ماده ۶ نیز امتیازاتی از قبیل اعطای جوائز، تخفیف کارمزد و یا حق تقدم در دریافت تسهیلات بانکی در نظر گرفته شده است.

سپرده‌های قرض‌الحسنه جزء منابع بانک تعریف شده است (ماده ۴ آئین نامه فصل دوم قانون) عملیات حسابداری قرض‌الحسنه مشکلی ندارد و هرگونه هزینه‌ای در این رابطه بحساب سود و زیان بانک منظور می‌شود.

نتیجه آنکه در بخش منابع مالکانه بانکها، رویه حسابداری با استانداردهای حسابداری مطابق است.

از دیدگاه اقتصادی سپرده‌های قرض‌الحسنه مرتبط با معاملات است، از این رو نسبت به نرخهای بهره بازار حساسیت ندارد.

۲- منابع حاصل از سپرده‌گذاریهای مدت‌دار (کوتاه مدت و بلندمدت)

سپرده‌های مدت‌دار عمده‌ترین منابع بانکها را تشکیل می‌دهند. در این رابطه:
- باستناد تبصره ذیل ماده ۳ قانون: "سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در بکار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره بشرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- همچنین در ماده ۵ قانون تصریح شده است که: "..... منافع حاصل از عملیات (اعطای تسهیلات)، براساس قرارداد منعقدۀ متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه بکار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.

- ماده ۱- در آئین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی مقرر گردیده که:
به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده‌ای از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد و منافع حاصله از عملیات براساس قرارداد منعقدۀ متضمن وکالت بین بانک و سپرده‌گذار..... با رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه بکار گرفته شده تقسیم خواهد شد.
در تبصره ۱ ذیل این ماده مقرر شده است که حق الوکاله بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری از سهم منافع سپرده‌گذاران کسر خواهد شد.

- مضافاً آنکه در ماده ۱۱ آئین نامه، اولویت به منابع سپرده‌گذاری داده شده بطوریکه، در صورتیکه مجموع تسهیلات اعطائی کمتر یا مساوی مجموع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوطه باشد، تمام منافع بین سپرده‌گذاران تقسیم خواهد شد و

در صورتیکه مجموع تسهیلات اعطائی بانکها برای این امور بیشتر از مجموع این قبیل سپرده‌ها باشد، مابه‌التفاوت سهم منابع بانک محسوب خواهد شد.

با عنایت به مواد قانون و آئین نامه مربوط بشرح فوق:

(۱) تسهیلات اعطائی موضوع ماده ۹ آئین نامه از دو قسمت تامین مالی می‌شود:

۱- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (پس از کسر سپرده‌های قانونی)

۲- منابع بانک

و سود حاصل از تسهیلات اعطائی بایستی با رعایت مدت و مبلغ بین سپرده‌گذار و بانک

تقسیم گردد.

(۲) حق الوکاله سهم بانک از منافع سهم سپرده‌گذار کسر شود.

(۳) به سپرده‌های دریافتی رقم تعیین شده از قبل پرداخت نشود.

در بررسی روش عملیاتی موجود ملاحظه می‌گردد:

(۱) تفکیک منابع بشرح قانون براساس دفاتر قابل دستیابی است، لکن تقسیم سود حاصل از

تسهیلات بین سپرده‌گذار و بانک به نسبت منابع آنها صورت نمی‌گیرد.

(۲) اصولاً در رابطه با حق الوکاله سهم بانک، هیچ عملیاتی در بانک صورت نمی‌گیرد و میزان آن

مشخص نگردیده است.

(۳) عدم رعایت تقسیم سود به نسبت منابع سپرده‌گذار و منابع بانک، در این رابطه بانکها شیوه

اجرایی دیگری را مورد استفاده قرار می‌دهند و آن پرداخت سود بصورت علی‌الحساب می‌باشد.

پرداخت سود بصورت علی‌الحساب با استانداردهای حسابداری مطابق است، لکن بهنگام قطعی

شدن سود بایستی ضوابط مندرج در قانون یعنی تسهیم سود به نسبت منابع بانک و سپرده‌گذار

رعایت گردد.

براساس شیوه اجرایی موجود، سود قطعی معمولاً همان سود علی‌الحساب است.

اینک این سوالات مطرح می‌شود که:

(۱) چگونه ممکن است سود قطعی همان سود علی‌الحساب باشد؟

(۲) چگونه ممکن است سود پرداختی بانکهای مختلف به سپرده‌گذاران با نرخ یکسانی باشد؟

(۳) چنانچه استدلال شود که سود کل فعالیت‌های مالی در تسهیلات در جمع کل بانکها در نظر

گرفته می‌شود و نرخ واحدی تعیین می‌گردد سوالات دیگری را در پی خواهد داشت و آن اینکه:

۳/۱ - سپرده‌گذاران هر بانک با آن بانک مربوطه قرارداد بسته‌اند نه با سیستم بانکی.

۳/۲ - نسبت تسهیلات مختلف در بانکها و میزان سود آنها متفاوت است.

۳/۳ - اصولاً در بررسیهای بعمل آمده چنین سود و زبانی که ملاک محاسبه نرخ سود سپرده‌گذاران

باشد در کل مجموع بانکها هم صورت نمی‌گیرد.

در رابطه با نحوه ثبت سود پرداختی به سپرده‌گذاران، شیوه موجود بدینگونه است که بهنگام پرداخت سود علی‌الحساب ثبت زیر عمل می‌شود:

بدهکار: حساب بدهکاران داخلی

بستانکار: حساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری (کوتاه مدت یا بلندمدت)

و بهنگام قطعی شدن رقم سود، ثبت زیر صادر می‌گردد:

بدهکار: حساب هزینه عملیات (سود سپرده‌های کوتاه مدت یا بلندمدت)

بستانکار: حساب بدهکاران داخلی (بمیزان مانده این حساب)

بستانکار: حساب سپرده سرمایه‌گذاری (کوتاه مدت یا بلند مدت)

با انجام دو ثبت فوق نهایتاً سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری از یکطرف بحساب صاحب سپرده و از طرف دیگر بحساب هزینه عملیاتی بانک منظور می‌شود.

نکته مهم و قابل ذکر در این روش حسابداری در این است که سود پرداختی به سپرده‌گذار، برای بانک هزینه نیست و نبایستی در سر فصل هزینه‌های عملیاتی بانک ثبت گردد.

ثبت سود پرداختی در حساب هزینه‌های عملیاتی بانک، مشابه همان شیوه بانکداری سنتی است زیرا در بانکداری سنتی هم، سود پرداختی به سپرده‌گذار را در حساب هزینه ثبت می‌نمایند.

پیشنهاد اصلاحی در این رابطه این است که سود پرداختی بجای منظور شدن در حساب هزینه عملیات در بدهکار سود حاصل از تسهیلات اعطائی (موضوع ماده ۹ قانون) ثبت گردد: بشرح زیر:

بدهکار: حساب سود تسهیلات اعطائی (بمیزان سهم سپرده‌گذار)

بدهکار: حساب سود تسهیلات اعطائی (بمیزان سهم بانک)

بستانکار: حساب بدهکاران داخلی (بمیزان مانده این حساب)

بستانکار: حساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری (بمیزان مابه‌التفاوت)

بستانکار: حساب درآمد سهم بانک

لازم به ذکر است که عدم تسهیم سود حاصل از تسهیلات به نسبت منابع بانک و سپرده‌گذار، خود ناشی از این است که سود تسهیلات اعطائی با نرخهای مشخص است که این موضوع در بخش سوم مورد توجه قرار خواهد گرفت.

ذکر این نکته ضرورت دارد، که سودهای پرداختی به سپرده‌گذاران در سالهای اخیر همواره کمتر از نرخ تورم بوده است. در حالیکه در صورت عدم مداخله در نرخهای سود، نرخهای سود سپرده‌گذاریها و سود تسهیلات اعطائی هر دو با هم نسبت به متوسط نرخ بهره بازار که عرضه و تقاضای نسبی رابرای دارائیهای مالی در بازار منعکس می‌کنند، نوسان خواهند داشت. این نرخ بازار به دو هدف نائل می‌گردد:

الف - فراهم نمودن یک ارزش مبادله

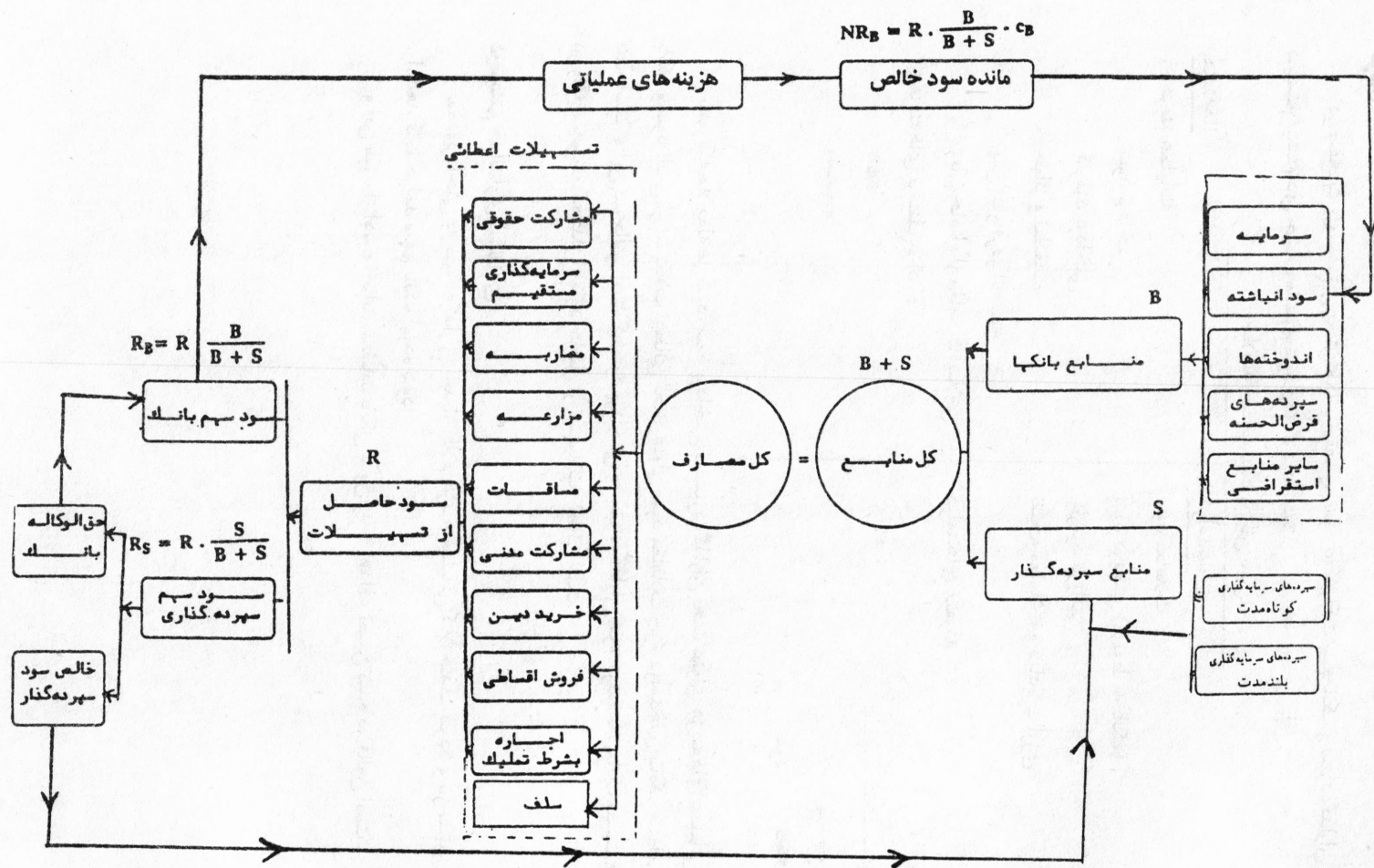
ب - حفظ ارزش پول

بنابراین در یک اقتصاد مبتنی بر بازار عادی، نرخ بازار در شرایط واقعی باید بطور جزئی مثبت بوده، و رشدی بیش از نرخ تورم داشته باشد.

با عنایت به مراتب فوق فرضیه فرعی شماره یک و بصورت توصیفی آزمون گردید.

تاثیر عدم احتساب سود واقعی سپرده‌ها، موجب شده است که سود پرداختی به سپرده‌گذاران، تورم موجود در جامعه را پوشش ندهد. مقایسه نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران با نرخ‌های تورم در دهه اخیر نشان می‌دهد که سود پرداختی، کاهش قدرت خرید سپرده‌گذاران در اثر تورم را جبران ننموده و سپرده‌گذاران همواره با سود منفی و یا کاهش ارزش واقعی پول خود مواجه بوده‌اند.

در اینجا این سوال ممکن است مطرح گردد که با علم به کاهش واقعی ارزش سپرده‌ها و زیان سپرده‌گذاران پس چرا اقدام به سپردن وجوه خود نزد بانکها می‌نمایند. پاسخ این سوال در خور تحقیق دیگری است ولی باختصار می‌توان به بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری، عدم وجود سرمایه‌گذاری‌های جانشین و وجوه اندک سپرده‌گذاران که تکافوی سرمایه‌گذاری‌های دیگر را نمی‌نماید را به عنوان عوامل اساسی اشاره نمود.



توجه:

در صفحات پیوست این بخش مکانیزم تقسیم سود در شراکت بین بانک و سپرده‌گذاران و سیستم پیشنهادی حساب تقسیم سود ارائه گردیده است.

خلاصه حساب سود و زیان بانکها

درآمدها:	هزینه‌ها:
سود معاملات	۱- هزینه عملیات:
سود دریافتی (مربوط به بانک)	سود پرداختی
کارمزد دریافتی	کارمزد پرداختی
نتیجه معاملات و مبادلات ارزی	جوائز و تبلیغات
	پس‌انداز قرض‌الحسنه
درآمدهای متفرقه	زیان حاصل از معاملات اسلامی
	۲- هزینه‌های پرسنلی و اداری

-----	=====
=====	
*** سود	

بطوریکه ملاحظه می‌شود، سود پرداختی به سپرده‌گذاران تحت عنوان هزینه‌های عملیاتی بانک و سود ناشی از تسهیلات اعطائی تحت عنوان سود معاملات جزء درآمدهای بانک منظور شده است. و این در حالی است که سود پرداختی به سپرده‌گذاران جزء هزینه‌های بانک نیست و در واقع سهم سپرده‌گذار از سود حاصل از تسهیلات اعطائی است.

در سیستم حسابداری پیشنهادی:

سود پرداختی به سپرده‌گذاران باید از اقلام هزینه عملیاتی کلاً حذف گردد و در ستون درآمدها، فقط درآمد سهم بانک آورده شود. و این مورد از اهم مغایرات عملیات بانکی بدون ربا با اهداف تعیین شده در قانون است.

حساب تقسیم سود حاصل از معاملات عقود

